

**Predigt zum Sonntag „Exaudi“, 12.5.2024,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),
Pfr. Gerhard Triebe**

Johannes 16,5-15:

ولی اکنون نزد کسی میروم که مرا فرستاد. اما گویی هیچیک از شما علاقه ندارد که بدانند منظور من از این رفتن و آمدن چیست. حتی تعجب هم نمیکنید؛

در عوض غمگین و محزونید 6

رفتن من به نفع شماست، چون اگر نروم، آن روح تسلیبخش نزد شما نخواهد آمد. ولی اگر بروم او 7 خواهد آمد، زیرا خودم او را نزد شما خواهم فرستاد

،وقتی او بیاید دنیا را متوجه این سه نکته خواهد کرد: نخست آنکه مردم همه گناهکار و محکومند 8-11 چون به من ایمان ندارند. دوم آنکه پدر خوب و مهربان من خدا، حاضر است مردم را ببخشد، چون من به نزد او میروم و دیگر مرا نخواهید دید و برای ایشان شفاعت میکنم. سوم آنکه نجات برای همه مهیا شده نجات از غضب و کيفر خدا، چون فرمانروای این دنیا یعنی شیطان محکوم شده است

بسیار چیزهای دیگر دارم که بگویم، ولی افسوس که حال نمیتوانید بفهمید» 12

ولی وقتی روحالقدس که سرچشمهء همهء راستیها است بیاید، تمام حقیقت را به شما آشکار خواهد 13 ساخت. زیرا نه از جانب خود، بلکه هر چه از من شنیده است خواهد گفت. او از آینده نیز شما را باخبر خواهد ساخت

او جلال و بزرگی مرا به شما نشان خواهد داد و با این کار باعث عزت و احترام من خواهد شد

،تمام بزرگی و جلال پدرم خدا از آن من است. وقتی گفتم جلال و بزرگی مرا به شما نشان میدهد 15 منظورم همین بود
غم به شادی تبدیل خواهد شد

این فوتبالیست در یکی از فاولاها، محله های فقیر نشین سائوپائولو در برزیل بود، جامعه عزیز! او با پدر و مادر و پنج خواهر و برادرش در بدترین و کثیف ترین شرایط زندگی می کرد. بیکاری و بیماری تاثیر گذاشته بود. اما حس خانواده قوی بود. والدین و فرزندان تا جایی که می توانستند به یکدیگر کمک کردند همه به هم چسبیده بودند. فوتبالیست ما تقریباً هر روز با پسران دیگری از محله فقیر نشین ملاقات می کرد تا فوتبال بازی کند - جایی بین کلبه ها، آشغال ها و زباله ها، با توپ هایی از نوعی یا هر چیزی که در مورد آنها فکر کنید. بازی راهی عالی برای فراموش کردن سختی و بدبختی بود. پسر ما فوق العاده با استعداد بود و به زودی در یک باشگاه کوچک فوتبال محلی بازی می کرد. استعدادها از دید کسانی که به طور سیستماتیک استعدادیابی می کنند و آنها را برای باشگاه های بزرگ جذب می کنند، دور نمی ماند. او فقط سال داشت که پیشنهاد پیوستن به مدرسه شبانه روزی فوتبال یکی از باشگاه های بزرگ اروپایی به او 15 رسید. خانواده برای مدت طولانی و با اشک های فراوان صحبت کردند، اما در واقع برای همه روشن بود که این خداحافظی دردناک نیز یک فرصت عالی بود. و اینطور شد. طولی نکشید که خانواده از حمایت این جوان حرفه ای حمایت کردند. بهبود قابل توجهی در شرایط زندگی ممکن شد و چشم اندازهای خوبی برای والدین و خواهران و برادران باز شد

قلب شما پر از اندوه است. اما من به شما می گویم: برای شما خوب است که من می روم. مردم خود را» آماده می کند تا او باید خداحافظی کند. او آنها را برای این کار آماده می کند زیرا می داند که آنها را در دنیایی پشت سر می گذارد که در آن در معرض ناملایمات و مقاومت قرار می گیرند - جنبه های تاریک زندگی که در این زمان و جهان رایج است. در متن اصلی، عیسی به طور خاص خصومت ها و آزار و اذیت ها به خاطر ایمان را در نظر دارد، که در آن، تا زمانی که کلیسای مسیحی وجود دارد، مقاومت کافران یا افراد دیگر ادیان نیز در سطحی کوچک و مخفیانه صورت می گیرد. همانطور که نفرت، ظلم و آزار در سطح وسیع و عمومی نشان می دهد. یادآور می شویم که امروزه بیش از 365 میلیون مسیحی در سراسر جهان به دلیل ایمانشان با آزار و اذیت و تبعیض شدید روبرو هستند - به ویژه در کره شمالی، سومالی، لیبی، اریتره، یمن، نیجریه، پاکستان، سودان، ایران و افغانستان

ما همچنین در شرایط نسبتاً آرامی که در آن زندگی می کنیم، ناملایمات و جنبه های تاریکی را تجربه می کنیم. ما به عنوان مسیحی در این کشور به یک اقلیت تبدیل شده ایم. جوامع تقریباً در همه جا در حال کوچک شدن هستند. جوانانی که می خواهند به پاستور بروند به کالایی کمیاب تبدیل شده اند. موقعیت های "شبانای باید کاهش یابد زیرا کمبود پول وجود دارد، و تلاش های کلیسا-جامعه ما برای رشد معمولاً "موفقیت ایجاد نمی کند

ما نیز شخصاً و در میان خود در محبت و طرد شدن نافرجام، در اهداف از دست رفته و آرزوهای برآورده نشده، در بیماری و محرومیت، ناامیدی، استرس، نارضایتی و از خودگذشتگی، ناملایمات و نقاط تاریک را تجربه می کنیم

ما هر روز ناملایمات و جنبه های تاریک جهان بزرگتر را می شنویم و می بینیم: جنگ افروزی غیر انسانی، وحشیگری ها یا افراط های خشونت آمیز، وحشیگری وحشتناک و غیرانسانی حتی جوانان، اعمال شنیع سوء استفاده، کلاهبرداری سیستماتیک به قیمت افراد نیازمند، شرایط جوی. که کاملاً از کنترل خارج شده است - و این همان چیزی است که آنها فقط نمونه هستند

قلب شما پر از اندوه است. اما من به شما می گویم: برای شما خوب است که من می روم. این پسر قوی» خدا در کنار آنها است که قادر به کنار آمدن با ناملایمات، مقاومت ها و جنبه های تاریک این زمان و جهان نیست

اما عیسی می گوید که اینطور نخواهد بود. بلکه با رفتن، واقعیتی کاملاً جدید را باز می کند. در آینده او دیگر به یک نقطه از زمین گره نخواهد خورد، بلکه همیشه و در همه جا سر کار خواهد بود - "تمام روزها تا پایان جهان!" او شکل زمینی خود را می ریزد و به بهشت خدا باز می گردد - و در عین حال شکل الهی کاملاً جدیدی به خود می بخشد: «زیرا اگر من نروم، تسلی دهنده نزد تو نخواهد آمد. اما وقتی رفتم او را نزد تو می فرستم

رفتن این فوتبالیست برای خانواده اش یک نعمت بود: او زندگی ارزشمندی به آنها داد. خروج عیسی تأثیر مثبت خود را در عطای روح القدس دارد که در اینجا «تسلی دهنده» نامیده می شود. در این روح القدس خداوند به مردم بسیار نزدیک می شود تا آنها را در مواجهه با ناملایمات، مخالفت ها و جنبه های تاریک تسلی دهد، در کنار آنها بایستد، آنها را نصیحت و حمایت کند، قضاوت آنها را تیز کند، به آنها اجازه دهد وضوح پیدا کنند. حفظ آنها و رهبری؛ همه اینها و بیشتر در این اصطلاح «تسلی دهنده» آمده است: خدا برای خیر مردم به آنها نزدیک می شود

اینجاست که ما انسان ها با محدودیت هایی در ایده هایمان درباره خدا مواجه می شویم. در سخنان انجیلی یوحنا چیزی از رابطه درونی الهی ملموس می شود، اینکه چگونه آنچه پدر، پسر و روح القدس می گویند و کار می کنند با یکدیگر در تثلیث در هم تنیده می شوند. خدا با سپردن خود به مردم به عنوان روح القدس خود را از طرفی نشان می دهد که تأثیر می گذارد، تأثیر می گذارد، به افکار دستور می دهد، دلها را

تسکین می دهد، مردم را تشویق می کند تا زندگی کنند، به آنها اجازه می دهد ایمان داشته باشند، امیدوار باشند و عشق بورزند. روح القدس می آید و در اجرای دائمی آنچه خدا در اختیار ما قرار می دهد، می آید و عمل می کند تا بتوانیم به خدا اعتماد کنیم، تا بتوانیم تحت تأثیر او به شیوه ای شفاف بخش قرار بگیریم، به شیوه ای سودمند تسلی دهیم و به شیوه ای معنادار هدایت شویم. خدا خود را مقید کرده است: هنگامی که - کلام او به خودی خود می رسد - خوانده شود، خوانده شود، توضیح داده شود، اعلام شود، شنیده شود آنگاه روح القدس وارد عمل می شود. هنگامی که مردم تعمید می گیرند، روح القدس را دریافت می کنند. او با وعده بخشش و برکت می آید. در شام خداوند او بارها و بارها با اثربخشی شفاف بخش خود به ما وعده می دهد. او در برکت خود با محبت خود را بر ما می گذارد. اینها غذاهایی هستند که روح القدس از طریق آنها چیزهای خوبی را روی ما و در بسته تثلیث انجام می دهد.

و بیشتر: روح القدس روشن می سازد که مفهوم گناه که اغلب مورد استفاده قرار می گیرد چیست: اینکه او نشان می دهد که عدالت □. زندگی بدون خدا و علیه خدا باید در درازمدت شکست بخورد و از بین برود به چه معناست: اینکه عدالت خدا با عدالت این جهان کاملاً متفاوت است: زیرا او قربانی عیسی را هنگامی که برای ما بر روی صلیب پا به شکاف گذاشت و انسان مصلوب شده پیروز از آن بیرون آمد، تشخیص داد همه رنجها: «فیض قبل از عدالت»، این عدالت خدا برای ماست. ما از تمام آزمایشات و مصائب کوچکتر روح القدس □. یا بزرگتر خود بدون خدا و علیه خدا میرا هستیم و از حقوق خانگی نزد خدا برخورداریم به ما اجازه می دهد تا ببینیم قضاوت در مورد چیست و درباره کسی که می خواهد ما را در نوبت این زمان به ابدیت متهم کند - همتای خدا، که در کتاب مقدس شیطان یا شیطان نامیده می شود، که ما را به همه اشتباهات ما متهم می کند و چیزی که همیشه کم داریم می خواهیم روی نان و کره به خدا توکل کنیم. او تمام شده است، روح القدس به ما نشان می دهد که توسط مسیح بر روی صلیب ناتوان شده است. او دیگر نمی تواند کاری انجام دهد، زیرا ما ارتباط نزدیکی با عیسی مسیح داریم، که هر چیزی را که می خواهد زندگی ما را بگیرد، از جمله زندگی ابدی، شکست داده است. بهشت به روی ما باز است. ما قبلاً در ارتباط نزدیک با خدای سه گانه زندگی می کنیم، آسمان و زمین وقتی با او ارتباط برقرار می کنیم، از او می شنویم و دریافت می کنیم، با او صحبت می کنیم، با او حساب می کنیم، به او اعتماد می کنیم

و در ادامه: عیسی درباره این روح القدس می گوید: "او مرا جلال خواهد داد!" او به مسیح اجازه خواهد داد که برای ما بزرگ و مهم شود، باشد و باقی بماند. او آتش ایمان و حمد خدا را در ما شعله ور می کند. او به ما می فهماند که با این عیسی مسیح، کسی را داریم که راه و روشش حدی نمی شناسد و ما را حتی در سختی ها و مخالفت ها و نقاط تاریک رها نمی کند، بلکه با ما در دره ها قدم می زند و به ما می دهد. او ما را با وفاداری نگه می دارد، ما را حمل می کند و دلداری می دهد و تشویق می کند و به ما هدیه می دهد، و ما را تقویت می کند و ما را همراهی می کند و ما را برکت می دهد - شاید حتی برخلاف آنچه می بینیم شاید متفاوت از آنچه می خواهیم، اما همیشه به گونه ای که زندگی ما در او پیروز و مطمئن بماند و آینده ای داشته باشی. او ما را به این باور می رساند و با چنین اطمینانی زندگی می کنیم. آمین